

کتاب شب امتحان عربی (۲) یازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخ‌گویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند (🙄) در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۲) نیاز دارید، تنها در ۱۴ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! **یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.

فهرست

نوبت	آزمون	پاسخ‌نامه
اول	۳	۳۶
اول	۶	۳۷
اول	۹	۳۸
اول	۱۲	۳۸
دوم	۱۵	۳۹
دوم	۱۸	۴۰
دوم	۲۱	۴۱
دوم	۲۴	۴۲
دوم	۲۷	۴۳
دوم	۲۹	۴۴
دوم	۳۱	۴۴
دوم	۳۴	۴۵



ردیف	آزمون شماره ۱	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
۱	درس اول	۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	۰/۲۵	۱
۲	اُکْتَبْ فِي الْفَرَاغِ عِدَدًا مَنَاسِبًا. سَبْعَةَ عَشَرَ زَائِدَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ يُسَاوِي	۲	برای حل این سؤال، علاوه بر دوستانِ عمرها در عربی، ریاضینتوئم باید خوب باشه!	۰/۲۵	۲
۳	عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَةِ ثُمَّ تَرْجِمِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فَقَطْ. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.	۳	اسم تفضیل وزن به مقصودی داره! گاهی هم کمی تغییر قیافه می‌ده!	۰/۲۵	۳
۴	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. هذا نموذجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.	۴	این سؤال معمولاً از متن درس‌ها طرح می‌شه! لطفاً به متن درس‌ها عنایت ویژه‌ای داشته باشید!	۰/۲۵	۴
۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. فَنَ □ صَوْم □ صَلَاة □ حَج □	۵	یک کلمه معمولاً قبلی پرته!	۰/۲۵	۵
۶	اُكْتَبْ مَفْرُودٌ أَوْ جَمْعُ الْكَلِمَتَيْنِ. الْف (نَمُودَجْ:	۶	جدول جمع مکسر درس‌نامه‌ها می‌تونه برای این سؤال خیلی کمک‌تون کنه!	۰/۲۵	۶
۷	عَيِّنْ اسْمَ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ ثُمَّ تَرْجِمِهِ. مَنْزِلٌ جَدَّتِي قَرِيبٌ مِّنْ شَارِعِ «مَطْهَرِي».	۷	اسم مکان پندتا وزن داره. یکیش قبلی بیشتر استقاره می‌شه!	۰/۲۵	۷
۸	إِنْتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. إِنَّ أَكْثَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.	۸	دنبال شاه‌کلیدها باشید توی این سؤال؛ منظورم شاه‌کلیدهای ترجمه است!	۰/۲۵	۸
۹	(۱) بی‌گمان زشت‌ترین صداها، صدای خران است. (۲) بی‌شک صدای خران، بسیار زشت است.	۹	این سؤال مربوط می‌شه به کتاب سال دهم! باید کتاب سال پشتون رو خوب بلد باشید!	۰/۲۵	۹
۱۰	أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	۱۰	نوع و زمان فعل رو باید تشخیص بدین تا در عملیات ترجمه موفق باشید!	۰/۲۵	۱۰
۱۱	ترجم الكلمات التي تحتها خطٌّ. الْف (لَا تَقْتَرِبُوا مِنَ الشَّارِعِ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسَارِ. (ب) اِنْكَسَرَتْ اِخْدَى الرُّجَاجَاتِ فِي الْمُحْتَرَبِ. (ج) مَا سَافَرْنَا حَتَّى الْآنَ إِلَى كَرْبَلَاءِ الْمُقَدَّسَةِ. (د) تَعَلَّمْ حُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ النَّبِيِّ ﷺ. (هـ) قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (و) سَوْفَ يُعَلِّمُ الْمَدْرَسُ الثَّلَاثِمِذَ قَوَاعِدَ هَذَا الدَّرْسِ.	۱۱	متن درس‌ها رو برای این سؤال خوب بفهمن!	۰/۲۵	۱۱
۱۲	ترجم الجملتين إلى الفارسيّة المألوفة. الْف (وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوَدِّ إِذْ شَمَمْتُ رُفَاتِي. (ب) مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ. عَيِّنْ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ. الْف (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسَّوْءِ. (ب) هَذِهِ مِنَ الطَّائِرَاتِ الْحَرِيبَةِ الْمُتَهَاجِمَةِ.	۱۲	اسم مبالغه که وزن مقصودی داره. اسم فاعل و مفعول هم در ثلاثی مجرد و مزید به شکل‌های مختلف سافته می‌شن!	۰/۲۵	۱۲
	اُكْتَبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ) فَلَاة - رَكْب - قُرْب - صَحْرَاء - بُعْد		جدول مترادف و متضاد درس‌نامه‌ها می‌تونه توی حل این سؤال خیلی بهتون کمک کنه!		
	الْف (..... = (ب) ≠				

4

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	نمره
۲۶	عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع. الف) جمال المرأة فصاحة لسانه. ب) الحكمة تعمّر في قلب المتكبر الجبار. ج) من ساء خلقه عذب نفسه. د) المتجر مكان هادي للمطالعة. هـ) يصنع الخبز من العجين. و) الجناح عضو يطير به الطائر.	۱/۵	
	موفق باشید	جمع نمرات	۲۰

ردیف	آزمون شماره ۹	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم				
۱	الف) مهارت واژه‌شناسی ترجم کلمات التي تحتها خط. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ﴾				۰/۵
۲	ضَحِ الْمُرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ. (ثلاث كلمات زائدة) الْعِدَاوَةُ - الْأَحْيَاءُ - الشَّمَالُ - الْإِيتِعَادُ - الْأَعْلَى الف) أَلْيَسَارُ = ب) الْأَسْفَلُ ≠				۰/۵
۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) أَصْحَابُ: ب) مَعْصِيَةٌ:				۰/۵
۴	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف) لِسَانٌ ☐ صَوْمٌ ☐ ب) نَطَقٌ ☐ حَكِي ☐ عَيْنٌ ☐ وَجْهٌ ☐ حَدَّثَ ☐ كَبَّرَ ☐				۰/۵
۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی ترجم هذه الجمل إلى الفارسية المألوفة. الف) ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ ب) يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا. ج) أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. د) الْأُسْتَاذُ أَدَّرَ يَرْدِي فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَ لَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ. هـ) إِزْحَمُوا عَزِيزًا ذَلًّا، وَ غَنِيًّا افْتَقَرًا، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ.				۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ (۱) با دهانشان آن چه را در قلب هایشان نیست می گویند و خدا به دروغی که بر زبان می رانند آگاه است. (۲) با دهان هایشان آن چه را در دل هایشان نیست می گویند و خدا به آن چه پنهان می کنند دانایتر است. ب) ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ (۱) و خاندانش را به نماز و زکات فرمان داده بود. (۲) و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.				۰/۵
۷	املاً فراغات الترجمة الفارسية. الف) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. هر کس بخواهد مردم باشد، پس بر خداوند ب) ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾ روزی که آدمی آن چه را که با دستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ج) إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَ يَحْفَظُ الْجَارَ. پدرم سرور مردمش بود، اسیر را و را حفظ می کرد.				۱/۵
۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد ترجم الأفعال التي تحتها خط. الف) لِمَ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكُمْ؟ ب) يَا أَعْرَاطِي، أَشْكُرُوا مَدْرَسَكُمْ. ج) إِنَّهُمْ مَا رَجَعُوا مِنَ الْعَمَلِ. د) إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْعِرَاقِ.				۱
۹	عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ. الف) أَنْتُمْ سَتَنْتَفِعُونَ بِهَذَا الْعَمَلِ. ب) يَا صَدِيقِي، رَجَاءً، اسْمَعْ كَلَامِي.				۰/۵

ردیف	عربی زبان قرآن (۲)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	آزمون شماره ۹		نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم		
۱۰	عین نوع الأسماء: اسم الفاعل، أو اسم المفعول، أو اسم المبالغة، أو اسم المكان، أو اسم التفضيل. الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ب) يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. ج) إِنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِستان. د) لِي صَدِيقٌ صَبَّارٌ جَدًّا.				۱
۱۱	عین جواب الشرط، ثم عین الترجمة الصحيحة. مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى أَهْدَافِهِ. ۱) هر کس بسیار تلاش کند به هدف‌هایش می‌رسد. ۲) کسی که بسیار سعی می‌کند به هدف‌هایش خواهد رسید.				۰/۵
۱۲	املاً الفراغ في الترجمة حسب القواعد التي قرأتها. اشتريتُ اليومَ كتاباً قد رأيتُهُ مِنْ قَبْلِ. امروز کتابی را که قبلاً آن را				۰/۵
۱۳	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ب) ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾				۱
۱۴	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ب) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾				۱
۱۵	ترجم هاتین الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة. الف) كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ب) كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.				۱
۱۶	أعرب الكلمات التي تحتها خطٌ. (المحلّ الإعرابي و علامة الإعراب) يَكْتَتِبُ الْمُدَرِّسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوحِ.				۱
۱۷	د) مهارت درک و فهم ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (کلمات زائدتان) السَّريِر - مِثَاثٌ - جُوعٌ - المِظْلَّةُ - الخَائِبُ - الدَّوَابُّ - ظَلَامٌ - خَضِرَةٌ				۱/۵
۱۸	الف) في اللغة العَرَبِيَّةُ الكلمات المَعْرَبَةُ ذاتِ الأصولِ الفَارِسيَّةِ. ب) اسْتَفِيدَ مِنْ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نَزُولِ المَطَرِ أَوْ التَّلُجِ. ج) إِنَّ الرُّكْبَ جَمَاعَةً مِنَ المُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى د) الشَّرْشَفُ قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى هـ) عُصُونُ الأشْجَارِ فِي الشِّتَاءِ بَدِيعَةٌ و) الْعَدَاةُ بِدَايَةُ النَّهَارِ وَ نِهَايَةُ اللَّيْلِ.				۱/۵
۱۹	عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة. الف) الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيْضَاءُ أَوْ مَلَوْنَةٌ يَكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبُورَةِ وَ مِثْلِهَا. ب) الْأَبْكَمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ مَوْثِقُهُ «بَكْمَاءُ». ج) الْأَصَمُّ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى وَ مَوْثِقُهُ «صَمَاءُ». د) يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ المِنْصَدَةِ أَحَدُ عَشَرَ لَاعِبًا. هـ) إِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الجِسْمِ مِنْ عَلَائِمِ المَرَضِ. و) أوروبًا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي العَالَمِ.				۰/۲۵
۲۰	هـ) مهارت مکالمه أجب عن السؤال التالي. يَمُ ثَسَافِرُ فِي البَهِرِ؟ رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. «يَأْلَمُ - صُدْرِي - فِي - بِكَ - أَشْعُرُ - مَا - ؟ -»				۰/۲۵
	موفق باشید	جمع نمرات	۲۰		

پاسخ نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- ثلاثین / هفده به اضافه سیزده مساوی است با سی.
- ۲- «أَحَبَّ» و «أَنْفَع» اسم تفضیل و هر دو بر وزن «أَفْعَل» اند. فقط «أَحَبَّ» کمی تغییر قیافه داده است.
- تجملات: «محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگان است.»
- ۳- این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.
- ۴- هنر ☒ نماز ☐ روزه ☐ حج ☐
- به جز «فَنَ» بقیه کلمات، فریضه دینی اند.
- ۵- الف) تَمَوْذَجْ جمع ← نماذج (نمونه ها)
ب) تَهَاة مفرد ← ناهي (بازدارنده)
- ۶- مَنَزَل بر وزن «مُفْعِل» اسم مکان است.
- تجملات: «خانه مادر بزرگم به خیابان مطهری نزدیک است.»
- ۷- گزینه «۱» «أَنْكَرُ» اسم تفضیل است و باید به صورت صفت عالی ترجمه شود؛ یعنی با «ترین». ضمناً «الأصوات» در گزینه (۲) ناپدید شده!
- ۸- حُبْ: «عَدَاوَةٌ» اسم مرفوعی است که ابتدای جمله آمده! پس قطعاً مبتدأست و مبتدا هم که همیشه مرفوع است. «صَدَاقَةٍ» هم بعد از حرف جرّ «مِنْ» آمده! پس مجرور به حرف جر است.
- ۹- الف) بدون نگاه به راست و چپ به خیابان نزدیک نشوید. «لَا تَقْتَرِبُوا» فعل نهی است. ب) یکی از شیشه ها در آزمایشگاه شکست. «إِنْكَسَرَتْ» فعل ماضی از باب انفعال است. ج) تا الان به کربلا سفر نکرده ایم. «مَا سَأَفَرْنَا» فعل ماضی منفی است. د) خوش اخلاقی را از پیامبر ﷺ یاد بگیر. «تَعَلَّمْ» فعل امر از باب تفعّل است. ه) خداوند به تو نیکی کرده است. «قَدْ أَحْسَنَ» فعل ماضی نقلی از باب افعال است. و) معلم قواعد این درس را به دانش آموزان یاد خواهد داد. «سَوْفَ يُعَلِّمُ» فعل مستقبل است.
- ۱۰- الف) اگر استخوان پوسیده ام را ببویی، بوی عشق را می یابی. ب) هر کس آزموده را بیازماید، پشیمان می شود.
- ۱۱- الف) «أَمَارَةٌ» بر وزن «فَعَالَةٌ» ← اسم مبالغه
- تجملات: «بی شک نفس بسیار فرمان دهنده به بدی است.»
- ب) «مُتَهَاجِمَةٌ» چون اولش «مَ» و عین الفعلش «ی» دارد، اسم فاعل (از باب تفاعل) است.
- تجملات: «این از هواپیماهای جنگی حمله کننده است.»
- ۱۲- الف) قَلَاةٌ = صَحْرَاءُ: بیابان
- ب) قُرْبٌ: نزدیکی ≠ بُعْدٌ: دوری
- کلمه اضافی: رُكْبٌ: کاروان شتر یا اسب سواران
- ۱۳- مرغ مگس ☐ مرغ باران ☐
شن ها ☒ دارکوب ☐
- واضح است که به جز «رمال» بقیه کلمات، نام پرده اند.
- ۱۴- سنجاب پرده، پوششی ویژه مانند چتر دارد.
- ۱۵- نهنگ آبی بزرگ ترین موجود زنده به شمار می آید.
- ۱۶- گزینه «۲» «يَبْدَأُ بِ» یعنی «شروع می کند». ضمناً «تَقَرُّ» یعنی «نوک زدن». «طَعَامٌ» هم که مفرد است.
- ۱۷- مَنْ يَسْجُلْ هَدَفًا يَذْهَبْ إِلَى النَّهَائِيَّ: هر تیمی گلی به ثمر برساند، به دیدار پایانی راه پیدا می کند.
- ۱۸- الف) «تَزْرَعُوا» فعل شرط است. «ن»ش هم به همین خاطر حذف شده! بد نیست بدانید که «ما» ادات شرط است و «تَخْضَعُوا» جواب شرط.

- تجملات: «آن چه در دنیا بکارید، در آخرت درو می کنید.»
- ب) «حَصَدَ» فعل جواب شرط است اما چون ماضی است، ظاهرش تغییر نکرده! «زَرَعَ» فعل شرط و «مَنْ» هم ادات شرط است.
- تجملات: «هر کس دشمنی بکارد، زبان درو می کند.»
- ۱۹- أَنَا مِنْ إِيْرَانِ (أَنَا إِيْرَانِيَّةٌ) / اهل کجایی؟ من ایرانی ام.
- نکته مهم این است که اگر در سؤال «أَنْتَ» باشد، در جواب از «أَنَا» استفاده می کنیم.
- ۲۰- الف) يَا بَنَاتُ رَجَاءٌ لَا تَتَكَلَّمْنَ فِي الصَّفِّ: ای دختران، لطفاً در کلاس حرف نزنید.
- «بَنَاتٌ» جمع مؤنث است. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» که فعل مذکر است به دردمان نمی خورد. ناگفته پیداست که «لَا تَتَكَلَّمْنَ» فعل نهی است. یادتان هست که در جمع مؤنث «ن» تحت هیچ شرایطی حذف نمی شد. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» هم اشتباه است.
- ب) الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ فِي سَاحَةِ الْبَيْتِ: کودکان در حیاط خانه، بازی می کنند.
- «الْأَطْفَالُ» جمع است، پس «يَلْعَبُونَ» که مثناست، به کارمان نمی آید. چون جمله دارد درباره «الْأَطْفَالُ» صحبت می کند، «يَلْعَبُونَ» بازی می کنید که مخاطب است هم به کارمان نمی آید.
- ج) به به! «أحمد» که اتفاقاً نام یکی از دوستانم است، مذکر است. پس «تُشَاهِدِينَ» که فعل مؤنث است می رود پی سرنوشتش! وقتی به صورت سؤال خوب دقت کنیم، یک «ي» می بینیم که قطعاً مفعول است. در سال دهم یاد گرفتیم که اگر فعل متعدی بخواهد به ضمیر مفعولی «ي» بچسبد، یک «ن» به اسم «نون وقایه» باید بینشان بیاید. پس: «يَا أَحْمَدُ، أَلَا تُشَاهِدُنِي أَمَامَ الْمُجَرِّ؟» ای احمد، آیا من را مقابل مغازه نمی بینی؟
- ۲۱- می تواند در یک پرش، بیشتر از صد و پنجاه قدم پرواز کند.
- ۲۲- «عِطْرًا» در ابتدای عبارت با تنوین آمده که نکره است. بعدش که تکرار شده با «ال» آمده که معرفه است. به ترجمه عبارت دقت کنید: «عطری خوش بو را در بازار دیدم و آن عطر را خریدم.» الْعَاقِلُ بِالْإِشَارَةِ!
- ۲۳- نمی توانیم زبانی را بدون واژگان وارد شده بیابیم.
- ۲۴- فیروزآبادی واژه نامه ای مشهور به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی در بر می گیرد.
- نکته مهم این عبارت «لِ + اسم: داشتن» است!
- ۲۵- الف) عَمَوَةٌ / ستون دین، نماز است.
- ب) أَوْسَطُ / بهترین کارها، میانه ترین آن هاست.
- ج) عَدُوٌّ / یک دشمن هم بگیر که یکی هم زیاد است.
- د) تَسْيِجٌ / این عضو، بافتی بین ججمه دارکوب و منقارش است.
- ه) تَعَاذَلَا / این دو تیم، دو هفته پیش به تساوی رسیدند.
- و) فُرْقَانًا / اگر تقوای خدا پیشه کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل را قرار می دهد.
- کلمات اضافی: أَفْضَلُ: بهتر، صَدُوقًا: بسیار راستگو
- ۲۶- الف) درست / زیبایی انسان، شیوایی زبانش است.
- ب) نادرست / حکمت در دل انسان متکبر زورمند، ماندگار می شود. درستش این بود که می گفت «لَا تَعْمُرْ» ماندگار نمی شود.
- ج) درست / هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می دهد.
- د) نادرست / مغازه جای آرامی برای مطالعه است. این تعریف مربوط به واژه «الْمَكْتَبَةُ» کتابخانه است.
- ه) درست / نان از خمیر درست می شود.
- و) درست / بال، عضوی است که پرده با آن پرواز می کند.

ج) پدرم سرور مردمش بود، اسیر را آزاد می‌کرد و همسایه را حفظ می‌کرد.

۸- الف) چرا از خانه‌تان خارج نمی‌شوید؟ («لَا تَخْرُجُونَ» فعل مضارع منفی است.)

ب) ای عزیزانم، از معلمان سپاس‌گذاری کنید. («أَشْكُرُوا» فعل امر است.)

ج) آن‌ها از کار برنگشتند. («مَا رَجَعُوا» فعل ماضی منفی است.)

د) من به عراق سفر خواهم کرد. («سَوْفَ أَسَافِرُ» فعل مستقبل است.)

۹- الف) شما از این کار سود خواهید برد. («سَتَنْتَفِعُونَ» فعل مستقبل است.)

ب) ای دوست من، لطفاً به حرفم گوش بده. («إِسْمَعْ» فعل امر است.)

۱۰- الف) «خَيْر» اسم تفضیل است.

تجربیات: «شب قدر از هزار شب بهتر است.»

ب) «الْمُحْسِنِينَ» اسم فاعل از باب إفعال است. اولش «هـ» دارد و عین الفعلش «ی» گرفته!

تجربیات: «ای کسی که نیکوکاران را دوست داری.»

ج) «مَكْتَبَةٌ» بر وزن «مَفْعَلَةٌ» اسم مکان است.

تجربیات: «کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان است.»

د) «صَبَّارٌ» بر وزن «فَعَالٌ» اسم مبالغه است.

تجربیات: «دوستی دارم که بسیار صبور است.»

۱۱- اول تکلیف ترجمه صحیح را مشخص کنیم. گزینه (۱) صحیح است. خُب حالا چرا؟

«مَنْ» یعنی «هر کس» و «يُحَاوِلُ» که فعل شرط است باید به صورت التزامی ترجمه شود.

«يَصِلُ» هم فعل جواب شرط است.

۱۲- امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. («قَدْ رَأَيْتُهُ» جمله وصفیه است و

چون بعد از فعل ماضی آمده به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود.)

۱۳- الف) (هرگز) به نیکی نخواهید رسید تا از آن چه دوست دارید، انفاق کنید. («لَنْ»

باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً «لَنْ» + «فعل مضارع» معادل مستقبل منفی است.)

ب) می‌خواهند که سخن خدا را تغییر دهند. («أَنْ» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود.

ضمناً خودش به صورت «که» و فعل مضارع بعدش به صورت التزامی ترجمه می‌شود.)

۱۴- الف) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند. («لِ» در این آیه لام امر است. چون

قیلش «فَ» آمده ساکن شده. خودش هم که به صورت «باید» ترجمه می‌شود.)

ب) اعراب بادیه‌نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاوردید. («لَمْ + فعل مضارع»

معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است. راستی راستی! «لَمْ» باعث شده «ن» آخر فعل

حذف شود.)

۱۵- الف) سعید به دوستش کمک کرده بود. («كَانَ» + «فعل ماضی»: ماضی بعید)

ب) سعید به دوستش کمک می‌کرد. («كَانَ» + «فعل مضارع»: ماضی استمراری)

۱۶- «قَوَاعِدُ» به «الدَّرْسِ» اضافه شده و کسره «ی» گرفته! پس «الدَّرْسِ» مضاف‌الیه

است و مجرور. «اللَّوْحُ» هم بعد از حرف جر «عَلَى» آمده پس مجرور به حرف جر است.

۱۷- الف) میثاق / در زبان عربی صدها واژه عربی شده دارای ریشه فارسی هست.

ب) المِظْلَّةُ / از چتر مقابل پرتوهای خورشید یا بارش باران و برف استفاده می‌کنم.

ج) الدَّوَابُّ / کاروان اسب‌سواران یا شترسواران گروهی از مسافران هستند که با

چارپایان مسافرت می‌کنند.

د) الشَّرِيرُ / ملحفه، قطعه پارچه‌ای است که روی تخت گذاشته می‌شود.

ه) خَمْصَةٌ / شاخه‌های درختان در زمستان تر و تازه و سرسبز است.

و) ظَلَامٌ / صبحگاه شروع روز و پایان تاریکی شب است.

کلمات اضافی: جوع: گرسنگی، الخائب: ناامید

۱۸- الف) درست / گچ نوشتار، چیز سفید یا رنگی است که با آن روی تخته سیاه نوشته می‌شود.

ب) درست / لال کسی است که نمی‌تواند حرف بزند و مؤنثش «بَغْمَاءٌ» است.

ج) نادرست / ناشنوا کسی است که نمی‌تواند ببیند و مؤنثش «صَمَاءٌ» است. (این تعریف

مربوط به واژه «الْأَعْمَى» نابینا است.)

د) نادرست / در تیم پینگ‌پنگ یازده بازیکن بازی می‌کنند. (در تیم «كرة القدم»

فوتبال) یازده بازیکن بازی می‌کنند.)

ه) درست / بالا رفتن حرارت بدن از نشانه‌های بیماری است.

و) نادرست / اروپا بزرگ‌ترین قاره در جهان است. (حتماً می‌دانید که آسیا بزرگ‌ترین

قاره جهان است.)

۱۹- بِالسَّفِيَةِ / در دریا با چه چیزی سفر می‌کنی؟ با کشتی.

۲۰- مَا يَلِكُ؟ أَشَعُرُ بِأَلَمٍ فِي صَدْرِي: تو را چه می‌شود؟ در سینه‌ام احساس درد می‌کنم.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و بین هیچ‌کدام از آن‌ها فرق نگذاشتند،
مزدهایشان را (خدا) به آن‌ها خواهد داد.

۲- الف) التَّسَارُّ = التَّسَامُلُ: چپ

ب) الْأَسْفَلُ: پایین‌تر ≠ الْأَعْلَى: بالاتر

کلمات اضافی: الْعَدَاوَةُ: دشمنی، الْأَخْيَاءُ: زندگان، الْإِتِّعَادُ: دور شدن

۳- الف) أَصْحَابٌ مُفْرَدٌ ← صَاحِب (دوست)

ب) مَعْصِيَةٌ ← مَعْصِي (گناهان)

۴- الف) ☐ زبان ☒ روزه

ب) ☐ صورت ☐ چشم

ب) ☐ به زبان آورد ☐ حکایت کرد

☒ بزرگ شد ☐ سخن گفت

۵- الف) آیا ندانسته‌اند که خداوند همان است که توبه را از بندگان می‌پذیرد؟

ب) حکایت می‌شود که مردی پرگناه بود و از کارهایش پشیمان شد و تلاش کرد که

آن‌ها را اصلاح کند.

ج) به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود و از قلبی که فروتنی نکند و از دانشی که

سود نرساند. («لَا تَشْبَعُ»، «لَا يَخْشَعُ» و «لَا يَنْفَعُ» جمله وصفیه‌اند.)

د) استاد آذربیدی در بیست سالگی‌اش کارگری ساده بود. سپس کتاب‌فروش شد و در

زندگی‌اش (هرگز) به مدرسه نرفت.

ه) به عزیزی که خوار شده، به توانگری که فقیر شده و دانشمندی که بین نادانان تباه

شده، رحم کنید.

۶- الف) گزینه «۲» «أَفْوَه» جمع است، «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و «يَكْتُمُونَ» در گزینه

(۱) اشتباه ترجمه شده!

ب) گزینه «۲» «أَهْلٌ» به معنای «خانواده» است. ضمناً «كَانَ يَأْتُرُ» معادل ماضی استمراری است.

۷- الف) هر کس بخواد قوی‌ترین مردم باشد، پس بر خداوند باید توکل کند.

ب) روزی که آدمی آن‌چه را که با دست‌ان پیش فرستاده است می‌نگردد و کافر

می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.

درس نامه توپ برای شب امتحان

فنی ترجمه

حتماً تا حالا متوجه شده‌اید که در ترجمه اسم تفضیل از «تر، ترین» استفاده می‌کنیم. حالا ببینیم کی از «تر» و کی از «ترین» استفاده می‌کنیم:

۱ «تر»: اگر بعد از اسم تفضیل «مِن» بیاید، در ترجمه آن از «تر» کمک می‌گیریم.

مثال: الطَّائِرَةُ أَسْرَعُ مِنَ السَّيَّارَةِ: هواپیما از ماشین، سریع‌تر است.

راستی راستی! اسم تفضیل اگر صفت هم شود، در ترجمه‌اش، سر و کله «تر» پیدا می‌شود.

مثال: الْوَلَدُ الْأَكْبَرُ: پسر بزرگ‌تر

موصوف صفت

الْبِنْتُ الصَّغْرَى: دختر کوچک‌تر

موصوف صفت

۲ «ترین»: اگر اسم تفضیل مضاف شود، در ترجمه‌اش از «ترین» کمک می‌گیریم.

مثال: أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

اسم تفضیل مضاف‌الیه

(مضاف)

داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود، بیفزاید.

اسم مکان

از اسمش پیداست که بر مکان دلالت می‌کند. این اسم در عربی بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مثال: أَخِي الْأَصْغَرُ يَعْمَلُ فِي مَصْنَعِ الْكَرَاسِيِّ: برادر کوچک‌ترم در کارخانه صندلی کار می‌کند.

ذَلِكَ مَنْزِلُ صَدِيقِي: آن خانه دوستم است.

هُنَاكَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ قُرْبَ بَيْتِنَا: کتابخانه بزرگی نزدیک خانه ما هست.

توجه: دوستان خوب! حواستان را جمع کنید. وزن «مَفْعَلَةٌ» همیشه برای مکان به کار می‌رود، ولی «مَفْعِل» و «مَفْعَل» بین مکان و زمان مشترک‌اند. فقط در جمله می‌توانیم بفهمیم برای مکان به کار رفته‌اند یا زمان.

مثال: الرُّؤَاةُ يَذْهَبُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ فِي مَوْسِمِ الْحَجِّ.

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

زائران در فصل (موسم) حج به مکه مکرمه می‌روند.

إِنَّ الْمَرْأَةَ تَزَلُّ مِنَ الْمَحْجِلِ: زن از کجاوه پایین آمد.

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مَبْدَأُ الْعَامِ الْهَجْرِيِّ هُوَ الشَّهْرُ الْمَحْرَمُ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زمان شروع سال هجری، ماه محرم است.

أُمِّي مَشْغُولَةٌ بِطَبْخِ الطَّعَامِ فِي الْمَطْبَخِ

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مادرم در آشپزخانه مشغول پختن غذاست.

کتاب: جمع اسم مکان بر وزن «مَفْعِل» می‌آید.

مثال: «مَطَايِع» جمع «مَطْبَعَة»: چاپخانه، «مَطَايِع» جمع «مَطْعَم»: رستوران، «مَدَارِس» جمع «مَدْرَسَة»: مدرسه، «مَنَازِل» جمع «مَنْزِل»: خانه

کلمات و عبارات مهم درس

فعلها

أَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور
تَعْمُرُ: عمر می‌کند، ماندگار می‌شود
أَقْصِدُ: میانه‌روی کن
لَا تُضَعِّرْ خَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مَوَاعِظُ قَيِّمَةٌ

اسم تفضیل واسم مکان

اسم تفضیل

به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف) هَذَا أَكْبَرُ مَنْزِلٍ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ: این بزرگ‌ترین خانه در این شهر است.

ب) هَذَا الْكِتَابُ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ: این کتاب از آن (یکی) بهتر است.

به کلماتی مانند «أكبر و أفضل» در عربی اسم تفضیل می‌گوییم. این اسم در عربی بر وزن «أفعل» می‌آید. اسم تفضیل معنا و مفهوم برتری را می‌رساند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است.

یک مثال دیگر از اسم تفضیل ببینیم و بعد به نکاتش بپردازیم:

لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

کتاب

۱ اسم تفضیل گاهی تغییر قیافه می‌دهد و شما آن را به صورت «أفْعَى» و «أَفْل» هم می‌بینید.

مثال: أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خداوند، کسی است که به مردم سود برساند.

هَذَا السَّرْوَالُ أَغْلَى مِنْ بَقِيَّةِ السَّرَاوِلِ: این شلوار از بقیه شلوارها، گران‌تر است.

۲ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید.

مثال: جَلَسَتْ الْأُخْتُ الْكُبْرَى عِنْدَ الْأَخِي الصَّغِيرِ: خواهر بزرگ‌تر نزد خواهر کوچک‌تر نشست. اما و اما. به مثال زیر دقت کنید:

مثال: آيِدَا أَصْغَرُ مِنْ فَاطِمَةَ: آیدا از فاطمه کوچک‌تر است.

فکر می‌کنم خودتان متوجه این نکته مهم شدید که برای مقایسه بین دو اسم مؤنث از اسم تفضیل مذکر (بر وزن «أفعل») استفاده می‌کنیم. اسم تفضیل فقط وقتی بر وزن «فُعْلَى» می‌آید که صفت اسم مؤنث شود، مثل همان مثال اولی!

۳ جمع اسم تفضیل بر وزن «أفَاعِل» می‌آید.

مثال: إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ: هنگامی که فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند. («الأراذل» جمع «الأرذل» و «الأفاضل» جمع «الأفضل» است.)

۴ حُب! حالا یک نکته مهم! از سال هفتم تا الان، حتماً دو کلمه «خَيْر» و «شَر» را در کتاب‌هایتان خیلی دیده‌اید. این دو اسم هم، می‌توانند اسم تفضیل باشند. البته به دو شرط:

۱- بعد از آن‌ها «مِن» بیاید.

مثال: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» شب قدر از هزار ماه، بهتر است.

۲- مضاف شوند؛ یعنی بعد از آن‌ها مضاف‌الیه بیاید.

مثال: شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ: بدترین مردم، مردمان دورو هستند.

مضاف مضاف‌الیه

از هر کدام دوباره یک مثال ببینید لطفاً:

مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ:

مضاف مضاف‌الیه

بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.



مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.

﴿جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: با روشی که نیکوتر است، با آن‌ها ستیز کن که پروردگارت به (حال) کسی که از راهش گمراه شده، آگاه‌تر است.

مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.

إِنَّمَا يُعِشُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: من فقط برای کامل کردن بزرگواری‌های اخلاق مبعوث شدم. (من فقط مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم)

حَسَنَتْ: نیکو گردانیدی

أَثَقَلْ: سنگین‌تر (اسم تفضیل)

المیزان: ترازوی اعمال

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾: خداوند کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند.

جدول اسم تفضیل	
اسم تفضیل	صفت مفعولی
أَحْسَن: نیکوتر، نیکوترین	حَسَن: نیکو
أَنْكَر: زشت‌تر، زشت‌ترین	—
أَكْبَر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	کَبِير: بزرگ
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	عالی: بلند
أَنْفَع: سودمندتر، سودمندترین	نافع: سودمند
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین	غالی: گران
أَقَل: کم‌تر، کم‌ترین	قَلِيل: کم
أَكْثَر: بیشتر، بیشترین	کَثِير: بسیار
أَحَب: محبوب‌تر، محبوب‌ترین	مَحْبُوب: محبوب
أَعْلَم: داناتر، داناترین	عَلِيم: دانا
أَفْضَل: بهتر، بهترین	—
خَيْر: بهتر، بهترین	خَيْر: خوب
شَر: بدتر، بدترین	شَر: بد
أَرْحَم: مهربان‌تر، مهربان‌ترین	رَحِيم: مهربان
أَوْسَط: میانه‌ترین	—
أَثْقَل: سنگین‌تر، سنگین‌ترین	ثَقِيل: سنگین
أَرْحَص: ارزان‌تر، ارزان‌ترین	رَخِص: ارزان

جدول اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَلْعَب: ورزشگاه	لَعَب: بازی
مَطْعَم: رستوران	طَعَام: غذا
مَصْنَع: کارخانه	صَنَعَ: ساختن
مَطْبَخ: آشپزخانه	طَبَخ: پختن
مَحْمِل: کجاوه	حَمَلَ: بردن
مَنْزِل: خانه	نَزَلَ: اقامت
مَكْتَبَة: کتابخانه	کَتَبَة: نوشتن
مَطْبَعَة: چاپخانه	طَبَعَ: چاپ کردن
مَدْرَسَة: مدرسه	دَرَسَة: تحصیل
مَتَجَر: مغازه	تِجَارَة: دادوستد

أَقِم: بر پای دار

إِنَّهُ: بازدار

أَوْفَر: دستور بده

لا تَمُش: راه نرو

لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود

يُقَدِّم: تقدیم می‌کند، پیش می‌فرستد

سایر کلمات و عبارات

جَبَّار: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»

إِذَنْ: بنابراین

إِسْتِهْلَاك: مصرف کردن

أَنْكَر: زشت‌تر، زشت‌ترین

تَرَبُّوِي: پرورشی

مُخْتَال: خودپسند

مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند

نَمُودَج: نمونه

حَمِير: خرها

فُنُون: هنرها

قِيَم: ارزشمند

مَرَحاً: شادمانه و با ناز و خودپسندی

ناهي، ناه: بازدارنده

متن درس

أَحْسَنُ حَالٍ: بهترین حال

الْفُنُونُ النَّافِعَةُ: هنرهای سودمند

الْإِتِّعَادُ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَى الْأَفَاضِلِ: دوری از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان

الْاِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرِبَاءِ: صرفه‌جویی در مصرف آب و برق

يُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ: به پسرش، پندهای ارزشمندی تقدیم می‌کند.

هَذَا نَمُودَجٌ تَرَبُّوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ: این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.

﴿يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أُمِرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ ائْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾: ای پسرکم، نماز را بر پای دار و به کار خوب دستور بده و از کار زشت بازدار و بر آن چه به تو رسیده است، صبر پیشه کن که آن از کارهای مهم است.

﴿وَ لَا تَضَعُ حَذَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: رویت را با تکبر از مردم برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو که خداوند هیچ خودپسند خودشیفته‌ای را دوست ندارد.

﴿وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾: در راه رفتنت، میانه‌رو باش (نه تند برو و نه آهسته) و از صدایت بکاه؛ زیرا زشت‌ترین صداها، بی‌گمان صدای خران است.

ناهي عَنِ الْمُنْكَرِ: بازدارنده از کار زشت

الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ: حکمت در دل فروتن ماندگار می‌شود و در دل خودپسند ستمکار زورمند، ماندگار نمی‌شود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ: بی‌شک خداوند هیچ خودپسندی را دوست ندارد؛ بنابراین نباید نسبت به دیگران تکبر ورزیم.

شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مُنْطَقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ: خداوند، سخن کسی را که صدایش را بدون دلیلی منطقی بالا ببرد، به صدای خر تشبیه کرده است.

کلمات حواری (گفت‌وگو)

سِعْر: قیمت

أَرْحَص: ارزان‌تر

التَّوَعُّبَة: جنس، کیفیت

تَخْفِيف: تخفیف

سِتُونَ أَلْف: شصت‌هزار

غَالِيَة: گران

رَمِيل: همکار

مَتَجَر: مغازه

کلمات و عبارات تمارین

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش اضافه کند.

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْتَعَمَهُمْ لِعِبَادِهِ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترینشان برای بندگان است.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾: بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم از شر چیزی که آفریده است.

شَرُّ النَّاسِ: بدترین مردم (شَر: اسم تفضیل)

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

صناعة التلميع في الأدب الفارسي

اسم فاعل، اسم مفعول واسم مبالغه

در زبان عربی، اسم‌ها وزن‌های مخصوصی دارند که این وزن‌ها، هر کدام معنای ویژه‌ای به آن‌ها می‌بخشند. در این درس با این قالب‌ها آشنا می‌شویم.

اسم فاعل

اسم فاعل در عربی، همان صفت فاعلی فارسی است که به معنای **انجام‌دهنده** یا **دارنده** حالت است. اسم فاعل به دو شکل ساخته می‌شود:

الف) از فعل‌های ثلاثی مجرد (که ریشه اصلی‌شان سه حرف است) بر وزن «فاعل» می‌آید.

مثال

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی
رَحِمَ	راحِم	رحم‌کننده
عَلِمَ	عالِم	دانا
ظَلَمَ	ظالم	ستمگر

ب) از فعل‌های ثلاثی مزید (همان باب‌های هشتگانه منظوم است) چه‌طور؟! خُب! از فعل مضارع این فعل‌ها، حرف مضارعه (ی) را حذف می‌کنیم، به جایش یک «م» می‌آوریم و حرکت عین‌الفعل (یکی مانده به آخر) را «ی» می‌دهیم. به جدول زیر دقت کنید:

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی
يُخْرِجُ	مُخْرِج	بیرون‌آورنده، خارج‌کننده
يُعَلِّمُ	مُعَلِّم	آموزگار
يَتَكَلَّمُ	مُتَكَلِّم	گوینده
يُجَاهِدُ	مُجَاهِد	رزمنده، مجاهد
يَعْتَمِدُ	مُعْتَمِد	اعتمادکننده
يَسْتَعِذُّ	مُسْتَعِذِّم	به‌کارگیرنده، استفاده‌کننده
يَنْزِعُ	مُنْزِع	ناراحت، نگران
يُقْتَرِحُ	مُقْتَرِح	پیشنهاددهنده

فن ترجمه: اسم فاعل

همان‌طور که دیدید در ترجمه اسم فاعل از پسوندی کمک می‌گیریم که مفهوم «انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت» را برساند؛ مثل «نده، گار، ا». گاهی هم صفت فاعلی بدون پسوند است. به مثال‌های قبلی دوباره دقت کنید:

مُخْرِج: بیرون‌آورنده، مُعَلِّم: آموزگار، مُتَكَلِّم: گوینده، مُجَاهِد: رزمنده، مُعْتَمِد: اعتمادکننده، مُسْتَعِذِّم: به‌کارگیرنده، مُنْزِع: ناراحت، نگران (دارنده حالت)، مُقْتَرِح: پیشنهاددهنده.

اسم مفعول

اسم مفعول اسمی است که کار روی آن انجام می‌شود. این اسم هم مثل اسم فاعل دو جور روش ساخت دارد:

الف) از فعل‌های ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود.

مثال

فعل ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی
خَلَقَ	مَخْلُوق	آفریده‌شده
فَتَحَ	مَفْتُوح	بازشده
ظَلَمَ	مَظْلُوم	مورد ستم قرار گرفته، مظلوم

جدول مترادف

تَقَرَّبَ = نزدیک شدن	إِقْتَرَبَ = نزدیک شدن	مُخْتَالَ = خودپسند	مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ = خودپسند
أَنْكَرَ = زشت‌تر، زشت‌ترین	أَقْبَحَ = زشت‌تر، زشت‌ترین	أَفْضَلَ = بهتر، بهترین	خَيْرَ = بهتر، بهترین

جدول متضاد

أَرَادِلَ = فرومایگان	أَفْاضِلَ = شایستگان	ضَلَّ = گمراه شد	إِهْتَدَى = هدایت شد
مُنْكَرَ = کار زشت	مَعْرُوفَ = کار خوب	فَخُورَ = فخر فروش	مُتَوَاضِعَ = فروتن
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ = خودپسند	مُتَوَاضِعَ = فروتن	مُخْتَالَ = خودپسند	مُتَوَاضِعَ = فروتن
أَنْكَرَ = زشت‌تر	أَجْمَلَ = زیباتر	ناهي = بازدارنده	آمر = دستوردهنده
إِنَّه = بازدار	اوْمُرَ = دستور بده	أَكْبَرَ = بزرگ‌تر، کوچک‌ترین	أَصْغَرَ = کوچک‌ترین
أَكْثَرَ = بیشتر، بیشترین	أَقَلَّ = کم‌تر، کم‌ترین	أَرْحَصَ = ارزان‌تر، گران‌ترین	أَعْلَى = گران‌ترین
خَيْرَ = خوب، خوبی، بهتر، بهترین	شَرَّ = بد، بدی، بدتر، بدترین	إِيتَعَادَ = دور شدن	تَقَرَّبَ = نزدیک شدن
سَاءَ = بد شد	حَسَنَ = نیکو شد	عَدَاوَة = دشمنی کردن	صَدَاقَة = دوستی

جدول جمع مکسر

جمع	مفرد	ترجمه
آباء	أب	پدر
فنون	فَنّ	هنر
اراذل	أَرْذَل	فرومایه
افاضل	أَفْضَل	شایسته
مواعظ	مَوْعِظَة	پند
زملاء	زَمِيل	همکار
جيران	جار	همسایه
أقرباء	قَرِيب	خویشاوند
حمار	حَمِير	خر
نُهاة	ناهي	بازدارنده
نماذج	نَمُودَج	نمونه
بهايم	بَهِيمَة	چهارپا
إخوان	أَخ	برادر، دوست
مدارس	مَدْرَسَة	مدرسه
ملاعب	مَلْعَب	ورزشگاه
مطاعم	مَطْعَم	رستوران
منازل	مَنْزِل	خانه
أسعار	سِعْر	قیمت
سراويل	سِرْوَال	شلوار



دانش آموز عزیز شما می توانید پاسخنامه امتحان را دو ساعت پس از پایان امتحان در پورتال مدرسه مشاهده نمایید.

www.bagheralolum.sch.ir

۰/۵	۱	ترجم کلمات التي تحتها خط: الف) لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ () ب) حَصَلَتْ عَلَى الْحِزَامِ الْأَسْوَدِ. ()
۰/۵	۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين: (يسار - إنضم - ساعد - بدیع - يمين - أعان) الف) = ب) ≠
۰/۵	۳	عين الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى في المعنى: الف) الفنون O ب) الخدّ O ج) الفم O د) اللسان O ب) الطائر O ب) التماسح O ج) الحية O د) الأمام O
۰/۵	۴	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: الف) الفلوات: (مفردة) ب) الحقيقة: (جمعه)
۱	۵	ترجم هذه الجمل: الف) يُحِبُّ الآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ. وَلَا تُصْعَرُ خَدَّكَ لِلنَّاسِ. لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ مُلَمَّعَاتُ. ب) طَائِرُ الْخَشَبِ يَنْقُرُ جِذْعَ الشَّجَرَةِ بِمِقَارِهِ عَشْرَمَرَّاتٍ. وَهَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ. ج) كَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبُضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ. أَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ. د) إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي. مَا رَأَيْتُ أَجُودَ مِنْهُ. لَا تَرْجِعْ إِلَى بَيْتِكَ. ذ) لَمَّا بَلَغَتْ كَيْلَ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمْرِهَا، أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ. وَآلَفَتْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.
۰/۵	۶	انتخب الترجمة الصحيحة: ۱. أفضل الأعمال الكسب من الحلال: الف) برترین اعمال کسب حلال است. O ب) اعمال برتر کسب حلال است. O ج) کسب حلال از اعمال برتر محسوب می شود. O ۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: الف) به راستی خداوند توکل شده گان را دوست می دارد. O ب) توکل کنندگان حتما خدا را دوست دارند. O ج) قطعاً خدا توکل کنندگان را دوست دارد. O



۷	کَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ: (الف) يُعَدُّ الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ: نهنگ بزرگترین موجودات زنده (ب) اِشْتَرَيْنَا الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْنَاهُ مِنْ قَبْلُ. امروز کتابی را که قبلاً آن را (ج) قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا: اعراب گفتند: بگو:	۱/۵								
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ: (الف) كَانَ حَسِينٌ مُؤَدِّبًا () (ب) كُنْ عَالِيَّ الْهِمَّةِ. () (ج) اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ. () (د) أَبِي كَانَ يُعِينُ الضَّعِيفَ. ()	۱								
۹	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ: (الف) عَلَّامٌ O (ب) نَاهِي O (ج) مُعِينٌ O (د) مُشَاوِرٌ O (ب) لَا تَيَّاسُوا O (ب) لَمْ يَجْلِسُوا O (ج) لَا يَكْتَبَانِ O (د) لِيَجْلِسَ O	۰/۵								
۱۰	عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمَبَالِغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ : (الف) جَلَسْتُ فِي مَحَضَرِ الْمُعَلِّمِ بِاحْتِرَامٍ. (ب) يَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ. أَنْتَ مُحَمَّدٌ. <table><tr><td>اسم فاعل</td><td>اسم مفعول</td><td>اسم مبالغة</td><td>اسم مكان</td></tr><tr><td>.....</td><td>.....</td><td>.....</td><td>.....</td></tr></table>	اسم فاعل	اسم مفعول	اسم مبالغة	اسم مكان					۱
اسم فاعل	اسم مفعول	اسم مبالغة	اسم مكان							
.....										
۱۱	تَرْجِمِ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ: (مَنْ يَجْتَهِدْ، يَنْجَحْ فِي حَيَاتِهِ) ترجمه فعل شرط) (ترجمه جواب شرط) ()	۰/۵								
۱۲	تَرْجِمِ الْفَعْلَيْنِ بَعْدَ التَّنْكِرَةِ : (الف) وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. () (ب) أَخَذْنَا كِتَابًا قَدْ رَأَيْنَاهُ مِنْ قَبْلُ. ()	۰/۵								
۱۳	(الف) تَرْجِمِ الْاَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ: (۱) يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ. () (۲) لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ () (ب) عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْاَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ: (۱) فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا. (تا داوری کند - باید داوری کند - داوری خواهد کرد) (۲) أُدْرُسُ كِتَابَكَ كَيْ تَنْجَحَ فِي الْاِمْتِحَانِ. (موفق نخواهی شد - باید موفق شوی - تا موفق شوی)	۰/۵ ۰/۵								
۱۴	(الف) كَمِّلِ الْفَرَاعَ فِي تَرْجُمَةِ الْاَفْعَالِ: (۱) لِنُسَاعِدِ الطُّلَّابَ فِي الدَّرُوسِ. باید به دانش آموزان در درسها (۲) لَمْ يُسَافِرُوا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. در ماه رمضان (ب) عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْاَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ: (۱) مَا تُتَفَقَّهُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ. (انفاق می کنید - انفاق بکنید - انفاق کردید) (۲) لَا تَسْتَمِعُوا إِلَى كَلَامِ الْبَاطِلِ. (گوش ندهید - گوش نمی دهید - نباید گوش بدهند)	۰/۵ ۰/۵								

۱	تَرْجِمِ الافعال الناقصة: (۱) (...وَقَوْلُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا) . () (۲) (... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً) . () ۳. كَانَ لِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. () ۴. (يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ) . ()	۱۵
۱	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مَحَلِّ الْإِعْرَابِ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (نقش و علامتِ إعراب) (۱) كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَسْوَأَ حَسَنَةً لِلْعَالَمِينَ. // رسول (مبتدا و مرفوع به ضمه O اسم كان و مرفوع به ضمه O) (۲) أَصْبَحَ الطَّالِبَانِ نَاجِحِينَ فِي الْامْتِحَانِ. // ناجحين (خبر أصبح و منصوب به (یا) O مفعول و منصوب به كسره O) (۳) عداوةُ العاقلِ خيرٌ من صداقةِ الجاهلِ. // العاقل (مضاف اليه و مجرور به كسره O صفت و مجرور به كسره O) (۴) كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ. // (صفت و مرفوع به ضمه O فاعل و مرفوع به ضمه O)	۱۶
۱/۵	عَيِّنِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ لِلدَّوَائِرِ: (۱) الشَّرِيفُ O يَظْهَرُ فِي فَلَتَاتِ اللِّسَانِ وَ صَفَحَاتِ الْوَجْهِ. (۲) الْأَبْكَمُ O هُوَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْمَعَ. (۳) الْكَذِبُ O الَّذِي تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ (۴) الْحِكْمَةُ O إِذَا أَصَابَهَا شَيْءٌ قَاطِعٌ، وَ قَسَمَهَا إِلَى قَسَمَيْنِ يَنْمُو الْقِسْمَانِ. (۵) الْأَصَمُ O جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى الدَّوَابِّ (۶) حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ O قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تُوضَعُ عَلَى السَّرِيرِ. (۷) الرُّكْبُ (۸) دَوْدَةُ الْأَرْضِ	۱۷
۱/۵	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ الْجُمْلَةَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: (۱) إِنَّ اللُّغَةَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ وَ الْفَرَنْسِيَّةَ لَتَنَانِي بَدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ. صحیح O خطا O (۲) إلتزام الإنسان بالصدقِ تَخْلَصُهُ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ. صحیح O خطا O (۳) السَّبَّوْرَةُ شَيْءٌ يَجْلِسُ الطُّلَّابُ عَلَيْهَا. صحیح O خطا O (۴) أَثْقَلُ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ هُوَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. صحیح O خطا O (۵) الْغَدَاةُ بِدَايَةِ النَّهَارِ وَ نِهَآيَةُ ظَلَامِ اللَّيْلِ. صحیح O خطا O (۶) لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَتَّصِلَ بَدُونِ الشَّرِيحَةِ بِالْهَاتِفِ الْجَوَالِ. صحیح O خطا O	۱۸
۰/۵	كَمِّلِ الْفَرَاغَ حَوْلَ الْحَوَارِ: الف) السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ أَرْخَصُ مِنَ السَّرْوَالِ النِّسَائِيِّ: السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ بِ..... (تسعين ألف تومان O خمسة و تسعين ألف تومان O) ب) مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ مَا؟ مِنْ مَدِينَةِ كَازَرُونِ (نحنُ O هما O)	۱۹

نام و نام خانوادگی:	آزمون خرداد عربی سال یازدهم انسانی	زمان: ۷۵ دقیقه	نام و نام خانوادگی:	بارم
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: (الف) لَهُ عِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ (حِمْرٌ) (ب) حَصَلَتْ عَلَى الْحِزَامِ الْأَسْوَدِ (مُحَرِّمٌ)	۰/۵		
۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المتضادتين و الكلمتين المتضادتين: (يسار - انضم - ساعد - بدیع - یمن - أعان) (الف) سَاعِدَ = ... (ب) يَمِينٌ = ...	۰/۵		
۳	عين الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى في المعنى: (الف) الفنون (ب) الغذاء (ج) القم (د) اللسان (ب) الطائر (ب) التمساح (ج) الحبة (د) الأمام	۰/۵		
۴	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: (الف) الفلوات: (مفرد) (إلهل) (ب) الحقيقة: (جمع) (الحقائب)	۰/۵		
۵	ترجم هذه الجمل: (الف) يُحِبُّ الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ. وَلَا تُصَغِّرُ حَدَكِ لِيلَنَاسٍ. لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ مَلَمَعَاتُ (ب) طَائِرُ الْخَشَبِ يَنْفُرُ جَذَعِ الشَّجَرَةِ بِمَقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. وَ هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تُضَرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ. (ج) كَانَتْ تِلْكَ الْمَفْرَدَاتُ تُرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ. أَخَذَ يَنَادِي أَصْحَابَهُ. (د) إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي. مَا رَأَيْتُ أَجُودَ مِنْهُ. لَأَرْجِعَ إِلَى بَيْتِكَ. (ذ) لَمَّا بَلَغَتْ كَيْلَ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمْرِهَا، أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ. وَ آَلَفَتْ تِمَانِيَةَ عَشْرٍ كِتَابًا تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.	۱ ۱ ۱ ۱ ۱		
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: ۱. أفضل الأعمال الكسب من الحلال: (الف) برترين اعمال كسب حلال است. ✓ (ب) اعمال برتر كسب حلال است. O (ج) كسب حلال از اعمال برتر محسوب می شود. O ۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: (الف) به راستی خداوند توکل شده گان را دوست می دارد. O (ب) توکل کنندگان حتما خدا را دوست دارند. O (ج) قطعاً خدا توکل کننده گان را دوست دارد. ✓	۰/۵		
۷	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ: (الف) بَعْدَ الْحَوْتِ الْأَزْرَقِ أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ: تَهْنِكُ بزرگترین موجودات زنده به نام (ب) اشترينا اليوم كتاباً قد رأيناه من قبل. امروز کتابی را خریدیم که قبلاً آن را (ج) قالت الأعرابُ آمناً قل لم تؤمنوا! أعراب گفتند: بگو: ایمان نیاوردیم = ایمان نیاورد. (نه) ایمان آوردیم = ایمان آورد. ایم	۱/۵		

۱	بسم المأفعل التي تحتها خط: الف) كان حسين مؤدياً (بور) ج) الله أعلم بما تعملون. (أيام من رخص) ب) كن عالى الهمة. (ما شئ) د) أرى كان يعين الضعيف. (كلم) (مروار)								
۰/۵	عین الكلمة التي لالتساب الكلمات الأخرى في النوع: الف) علام (ب) ناهي (ج) معين (د) مشاور ب) لانياسوا (ب) لم يجلسوا (ج) لا يكتبان (د) ليسجلس								
۱	عین اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة و اسم المكان: الف) جلست في محضر المعلم بإحترام. (ب) يا علام الغيوب. أنت محمود.								
	<table><tr><td>اسم فاعل</td><td>اسم مفعول</td><td>اسم مبالغة</td><td>اسم مكان</td></tr><tr><td>المعلم</td><td>محمود</td><td>علامة</td><td>محضر</td></tr></table>	اسم فاعل	اسم مفعول	اسم مبالغة	اسم مكان	المعلم	محمود	علامة	محضر
اسم فاعل	اسم مفعول	اسم مبالغة	اسم مكان						
المعلم	محمود	علامة	محضر						
۰/۵	ترجم فعل الشرط و جوابه: (من يجتهد، ينجح في حياته) ترجمه فعل شرط (تلاش کنه) ترجمه جواب شرط (موفق شه)								
۰/۵	ترجم الفعلين بعد النكرة: الف) وجدت برنامجاً يساعدني على تعلم العربية. (كلم) ب) أخذنا كتاباً قد رأيناه من قبل. (نمبر بورم)								
۰/۵	الف) ترجم المأفعل التي تحتها خط: (۱) يريدون أن يبدلوا كلام الله. (تغیر رخصه) (۲) لن نتألو البر حتى نتفقوا مما نجون (خواهد را سیم) ب) عین الترجمة الصحيحة للمأفعل التي تحتها خط: (۱) فاصبروا حتى يحكم الله بيننا. (تا داوری کند - باید داوری کند - داوری خواهد کرد) (۲) أدرس كتابك كي تنجح في الامتحان. (موفق نخواهی شد - باید موفق شوی - تا موفق شوی)								
۰/۵	الف) اكمل الفراغ في ترجمة الأفعال: (۱) لتساعد الطلاب في الدروس. باید به دانش آموزان در درسها کمک کنیم (۲) لم يسافروا في شهر رمضان. در ماه رمضان ... سفر نکردند								
۰/۵	ب) عین الترجمة الصحيحة للمأفعل التي تحتها خط: (۱) اما تفتقوا من خير فإن الله به عليم. (اتفاق می کنید - اتفاق بکنید - اتفاق کردید) (۲) لا تستمعوا إلى كلام الباطل. (گوش ندهید - گوش نمی دهید - نباید گوش بدهند)								
۱	ترجم المأفعل الناقصة: (۱) ... و يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً. (بورم) (۲) ... أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة. (مروار) ۳. كان لي سرير خشبي. (درخت) ۴. يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم. (نیت)								

١	الصحيح في محل الإعراب: للكلمات التي تحتها خط: (نقش و علامت إعراب) (١) كان رسول الله أسوة حسنة للعالمين. // رسول مبتدا و مرفوع به ضمه O اسم كان و مرفوع به ضمه ✓ (٢) أصبح الطالبان ناجحين في الامتحان. // ناجحين خبر أصبح و منصوب به (بما) مفعول و منصوب به كسره O (٣) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل. // العاقل مضاف اليه و مجرور به كسره ✓ صفت و مجرور به كسره O (٤) كاد الساب الكذاب يغرق. // (صفت و مرفوع به ضمه ✓ فاعل و مرفوع به ضمه O)
١٧	عين العدد المناسب للدوائر: (١) الترتيف O ٣ يظهر في قنات الأسنان و صفحات الوجه. (٢) أنابكم O ٥ هو من لا يستطيع أن يسمع. (٣) الكذب O ٤ الذي تعمّر في قلب المتواضع و لا تعمّر في قلب المتكبر (٤) الحكمة O ٨ إذا أصابها شيء قاطع. و قسمها إلى قسمين ينمو القسمان. (٥) الأصم O ✓ جماعة من المسافرين يسافرون على الدواب (٦) حية الصحراء O قطعة قماش توضع على السرير. (٧) الركب (٨) دودة الأرض
١٨	عين الجملة الصحيحة و الجملة غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع: (١) إن اللغة الإنجليزية و الفرنسية لغتان بدون كلمات دغيلة. صحيح O خطأ ✓ (٢) إنزام الإنسان بالصدق تخلصه من شر ذنوبه و عيوبه. صحيح ✓ خطأ O (٣) السبورة شيء يجلس الطلاب عليها. صحيح O خطأ ✓ (٤) أنقل شيء في الميزان هو الخلق الحسن. صحيح ✓ خطأ O (٥) الغداة بداية النهار و نهاية ظلام الليل. صحيح ✓ خطأ O (٦) لا نستطيع أن نتصل بدون الشريحة بالهاتف الجوال. صحيح ✓ خطأ O
١٩	كمل الفراغ حول الحوار: الف) السروال الرجالي أرخص من السروال النسائي: السروال الرجالي (تسعين ألف تومان ✓ خمسة و تسعين ألف تومان O) ب) من أي مدينة أنتما؟ من مدينة كازرون (نح ✓ هما O)

نام و نام خانوادگی:
 مقطع و رشته: یازدهم انسانی
 نام پدر:
 شماره داوطلب:
 تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
 دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش

نام درس: عربی
 نام دبیر: ندا ترابی
 تاریخ امتحان: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲
 ساعت امتحان: ۸ صبح / عصر
 مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سوالات	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: (الف) تجرى الرياح بما لا تشتهي السفن. (ب) ألفت عدة محاضرات. (ج) لا تصغر خدك للناس. (د) ما كان يعرف السباحة.	۱
۰/۵	اكتب المترادف و المتضاد للكلمتين: أعان = الضياء ≠	۰/۵
۰/۵	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: المكارم: الشلال:	۰/۵
۰/۲۵	عين الكلمة الغريبة في المعنى: (الف) الطنان (ب) نقار الخشب (ج) الحمير (د) الزقازق	۰/۲۵
۵	ترجم الجملات التالية: (الف) الطباشير مادة بيضاء أو ملونة يكتب بها على السبورة و مثلها. (ب) يحكى أن رجلاً كان كثير العيوب، فندم على أعماله و حاول أن يصلحها. (ج) والذي كان عزيزاً فاحتقر أوصفاً عالماً بين المضر (د) الحكمة تعمُر في قلب المتواضع و لاتعمُر في قلب المتكبر الجبار. (ه) الزائرة تريد أن تتصل لكن لا يعمل الشحن فتذهب عند موظف الاتصالات.	۵
۰/۲۵	انتخب الترجمة الصحيحة: * يوم ينظر المرء ما قدمت يداه. (۱) روزی که آدمی آنچه را با دستانش پیش فرستاده است می نگرد. (۲) روزی که انسان آنچه را با دستش پیش فرستاده می بیند.	۰/۲۵
۱	صحح الأخطاء في الترجمة: * من توكل على الله ذلت له المصاعب. - کسی که به خدا توکل می کند سختی برایش خوار و ذلیل خواهد شد.	۱
۰/۵	ترجم الأفعال التي تحتها خط: (۱) ذهبت أُمِّي إلى المتجر لِتَشْتَرِيَ حِذاءً. لَمْ نَسْتَمِعْ إِلَى كَلَامِ الْبَاطِلِ.	۰/۵
۱	عين جواب الشرط ثم ترجم هذه العبارة: * إن شكوت إلى الطير نحن في الوكنات.	۱

ردیف	ادامه ی سوالات	محل مهر یا امضاء مدیر	نمره
۱۰	عین (اسم الفاعل، اسم المفعول، اسم المبالغه، اسم المكان): - مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ. - سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهَيِّمُ فِي الْفَلَوَاتِ. - يجب علينا أن نكون صَبَارًا فِي حَلِّ الْمُشْكِلِ.		۱
۱۱	ترجم العبارات حسب القواعد التي قرأتها: الف) لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ. ب) كَانَ لِي حَاسِبٌ أَكْتُبُ التَّمَارِينَ عَلَيْهِ. ج) أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ.		۱/۵
۱۲	عین المعارف فی الجملة التالية: (ذكر نوع معرفه) - كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدَى سَابُور فِي خُوزِسْتَانِ أَكْبَر مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ.		۱
۱۳	أذكر المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها الخط: الف) الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ. ب) الْمِسْكُ عِطْرٌ يَتَّخِذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ. إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءَكَ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ.		۲/۵
۱۴	عین التصحيح و الخطا حسب الحقيقة: الف) سَفَانَةٌ مَنْ يُضْرَبُ بِهَا الْمَثَلُ فِي الْكَرَمِ. ب) الْأَصَمُّ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْمَعَ وَ مُؤَنَّثَةٌ صَمَاءٌ. ج) كُلُّ الْحُرُوفِ الْفَارَسِيَّةِ تُوجَدُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَيْضًا. د) الْمُتَفَرِّجُونَ الَّذِينَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ اللَّعْبَةِ.		۱
۱۵	ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية: دَخِيلَةٌ، الْهَمْسُ، يَرْسُبُ، الْمَكْرُوبُ، يَنْجَحُ، الْخُسَامُ الف) الَّذِي حُزْنُهُ كَثِيرٌ. ب) مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا فِي الْإِمْتِحَانِ. ج) لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بَدُونِ كَلِمَاتٍ د) مِنَ الْأَدَوَاتِ الَّتِي يُقَاتِلُ الْجُنُودُ بِهَا فِي الْحَرْبِ		۱
۱۶	أجب عن الأسئلة التالية: كم عدد أفراد أسرَتِكَ؟		۰/۵
۱۷	رتب الكلمات: بطاقة، وعشرين، نعم، أعطني، هل، ربالاً، من، الشحن، خمسة، فضلك، بطاقة، تريدان، بمبلغ.؟		۱/۵
صفحه ی ۲ از ۲			



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران

اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران



دبیرستان غیر دولتی دخترانه

کلید سؤالات پایان ترم نوبت دوم سال تحصیلی ۹۷-۹۶

نام درس: عربی یا زدهم انسانی

نام دبیر: ندا ترابی

تاریخ امتحان: ۱۳/۰۳/۱۳۹۷

ساعت امتحان: ۸ صبح / عصر

مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	الف) نمی خواهند ب) سخنرانی ها ج) با تکبر برنگردان د) شنا کردن	
۲	اعان : ساعد، نَصَرَ الضیاء ≠ الظلام	
۳	الكرمة الشلالات	
۴	الحمير	
۵	الف) گچ ماده ای سفید یا رنگی است که با آن بر روی تخته سیاه یا مثل آن نوشته می شود. ب) حکایت می شود که مردی پر گناه بود و از کارهایش پشیمان شد و تلاش کرد که آن ها را اصلاح کند. ج) پس کسی که عزیز بود پیش خوار شد یا برگزیده ی دانایی بین قبيله مُضَر بود. د) پند و حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار می شود و در قلب خودخواه ستمکار ماندگار نمی شود. ه) زائر می خواهد که تماس بگیرد ولی شارژ نمی شود پس به سوی کارمند مخابرات می رود.	
۶	الف	
۷	هر کس به خدا توکل کند سختی ها برایش خوار و ذلیل می شود.	
۸	۱) تا بخرد ۲) گوش ندادیم	
۹	اگر به پرندگان گلایه کنم در لانه ها شیون می کنند. جواب شرط: نُحْنُ	
۱۰	المُجَرَّب : اسم مفعول المصانع : اسم مکان صبارا : اسم مبالغه المُشِکِل : اسم فاعل	
۱۱	الف) هرگز به نیکی دست نخواهید یافت تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید. ب) رایانه ای داشتیم که تمرین ها را بر آن می نوشتیم. ج) آیا ندانستند که خداوند رزق و روزی را می گستراند.	
۱۲	مکتبه : معرفه به اضافه جندی سابور: معرفه به علم خوزستان : معرفه به علم العالم : معرفه به ال	
۱۳	الف) الصديق : مبتدا و مرفوع ناهیا : خبر کان و منصوب من الظلم : جار و مجرور ب) عِطْرُ : خبر و مرفوع يَتَّخِذُ : فعل مجهول و نائب فاعل هو مستتر و مرفوع و جمله وصفیه ج) تَقْرَأ : فعل شرط و مجزوم به ساکن و فعل و فاعل انت مستتر و مرفوع انشاء: مفعول و منصوب زمیل: فاعل و مرفوع	
۱۴	الف) صحیح ب) صحیح ج) خطا د) صحیح	
۱۵	الف) المكروب ب) یرسب ج) دخيلة د) الخسام	
۱۶	عدد به دلخواه دانش آموز : عدد اُسرتی ثلاثه افراد	
۱۷	هل تُريدین بطاقةَ الشَّمَنِ ؟ نَعَمْ، مِنْ فَضْلِک اعطِنی بِطَاقَةً بِمِبلَغِ خَمْسَةِ و عَشْرینَ رِیالا.	
جمع بارم : ۲۰ نمره		
نام و نام خانوادگی مصحح : ندا ترابی		
امضاء:		



نام : نام خانوادگی : کلاس : ۱۰۵ شماره صندلی :	باسمه تعالی اداره آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران دبیرستان نمونه دولتی بوعلی سینا	درس : عربی زبان قرآن ۱ انسانی تاریخ امتحان : ۱۳۹۸ / ۳ / ۷ مدت امتحان : ۷۵ دقیقه نمره :
ردیف (۱۶ سؤال در دو صفحه دارد)	سؤال	بارم (پاسخ ها را در همین برگه بنویسید)
۱	اُكْتُبْ معنی الكلمات التي تحتها خط : ۱- هذا الإقتراح حسن : (.....) ۲- إِنَّ الدلفين يُغني كالطيور (.....)	۰/۵
۲	اُكْتُبْ مفرداً أو جمعَ الكلمتين : ۱- عميل : ۲- أنوف :	۰/۵
۳	اُكْتُبْ في الفراغ مترادفين و متضادين من الكلمات التالية : « صَحِكَ ، فجأةً ، نهاية ، بَكَى ، غالية ، بَغْتَةً » الف - = ب - #	۰/۵
۴	عَيِّن الكلمة الغريبة في المعنى : الف (وقود) غاز ○ نِفظ ○ حَرَب ○ ب (زبدة) بومة ○ جبنة ○ حليب ○	۰/۵
۵	ترجم هذه الجمل : ۱- عَلَى امتدادِ الْأَنْبَابِ تَوْجَدُ لُوحَاتٌ تَحْذِيرِيَّةٌ وَ أَعْمِدَةٌ الْإِتِّصَالِ كَمَحَطَاتِ الْإِنْذَارِ : ۲- إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ تَعَلَّمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ : ۳- حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِلتَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ : ۴- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثَرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ لَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صَدَقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ : ۵- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ : صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ :	۵
۶	إِنتَخِبِ الترجمة الصحيحة : الف (لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سُوءَ الْخُلُقِ : ۱- هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد . ۲- برای همه گناهان توبه ای وجود دارد بغير از اخلاق بد . ب (لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ : ۱- جغد چشمش را حرکت نمی دهد پس قطعاً ثابت است . ۲- چشم جغد حرکت نمی کند زیرا ثابت است .	۰/۵
۷	كَمِّلِ الفراغات في الترجمة : ۱- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ : سخن داروست سود می رساند و بسیارش است . ۲- سَمِعَ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ أَحَدَى الْحُجَرَاتِ : صدای از اطاق ها	۱/۵
(ادامه سؤالات در صفحه ۲)		

۲	بِمِ الْأَفْعَالِ وَ الْمَصَادِرِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ : ۱- عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي : ۲- لَا تَأْمُرُوا بِالْمُنْكَرِ : ۳- الْهِيَ عَلَّمَنِي مَا يَنْفَعُنِي : ۴- الطَّلَابُ كَانُوا يَسْتَمْعُونَ الدَّرْسَ بَدَقَّةٍ : ۵- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ : ۶- سَتَتَعَايَشُ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا : ۷- كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ : ۸- الْمُجْرِمُونَ يُعْرِفُونَ بِسِيْمَاهُمْ :	
۰/۵	عَيَّنْ نَوْعَ الْفِعْلِ وَاذْكُرْ صِيغَتَهُ : الْمُؤْمِنُونَ أَحْسَنُوا إِلَى وَالِدَيْهِمْ : نَوْعُ فِعْلٍ : صِيغَتُهُ :	۹
۴	عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَائِيَّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ : أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ شَاهَدُوا حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً لِلدَّلَافِينَ - الْبَحْرُ وَ الْأَسْمَاكُ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ - أَغْلِقْ بَابَ الْحَافِلَةِ - يَنْجَحُ الصَّادِقُونَ أَعْضَاءُ : الْأُسْرَةُ : حَرَكَاتٍ : جَمَاعِيَّةٌ : نِعْمَةٌ : اللَّهُ : - بَابٌ : الصَّادِقُونَ :	۱۰
۰/۵	كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالْعَدَدِ الْمُنَاسِبِ : ۱- الْيَوْمُ مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ يَوْمُ تَاسِعِ تَاسِعَاءِ (التَّاسِعِ ، الْعَاشِرِ ، التَّاسِعِ) ۲- مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أَمْثَالِهَا (عَشْرٌ ، عَاشِرٌ ، عَاشِرَةٌ)	۱۱
۰/۵	كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالْحَرْفِ الْجَرِّ الْمُنَاسِبِ : ۱- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ نَصْفَيْنِ (عَلَى ، إِلَى ، مِنْ) ۲- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ الشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ (بِ ، ك ، لِ)	۱۲
۱	كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالْكَلِمَاتِ الْمُنَاسِبَةِ : ۱- الدَّلَفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ الَّتِي تُرَضَّعُ صِغَارُهَا : (اللَّبُونَةُ ، الْحَرْبُ وَ السَّلْمُ ، الْبَرِّيَّةُ) ۲- كَمْ سَاعَةً السَّفَرَةُ مِنْ تَهْرَانٍ إِلَى شِيرَازٍ : (يَنْقُلُ ، يَسْتَهْلِكُ ، يَسْتَعْرِقُ) ۳- إِنَّ كُردِستَانِ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ فِي إِيْرَانٍ : (الْجَلْدِيُّ ، السِّيَّاحِيُّ ، الرِّيفِيُّ) ۴- لَدَيَّ تَفَرَّغَ بَطَارِيئُهُ خِلَالِ نِصْفِ يَوْمٍ : (جَوَّالٌ ، قَائِمَةٌ ، دَوْرٌ)	۱۳
۱	عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ : ۱- الْمَشْمَشُ فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجْفَفَةً وَ غَيْرَ مُجْفَفَةٍ . () ۲- الْهَاتِفُ آلَةٌ لِنَقْلِ الْحَرَارَةِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ . () ۳- الْمُرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ . () ۴- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلَفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ ()	۱۴
۰/۵	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ : مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ ؟	۱۵
۱	اُكْتُبْ سَوْألاً وَ جَوَاباً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « عِنْدَكُمْ ، بَطَاقَتُنَا ، هَلْ ، الدُّخُولُ ، نَعَمْ ، بَطَاقَاتُ ، يَبْدُنَا » سَوْأَلٌ : جَوَابٌ :	۱۶
۲۰	جمع	

« اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ جَهْدَ جَمِيعِنَا فِي سَبِيلِكَ »



درس : عربی زبان قرآن ۱ انسانی تاریخ امتحان : ۱۳۹۸ / ۳ / ۷ مدت امتحان : ۷۵ دقیقه نمره :	باسمه تعالی اداره آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران دبیرستان نمونه دولتی بوعلی سینا	نام : نام خانوادگی : کلاس : ۱۰۵ شماره صندلی :
بارم	پاسخنامه	ردیف (۱۶ سؤال در دو صفحه دارد)
۰/۵	۱- پیشنهاد ۲- آواز می خواند	۱
۰/۵	۱- عُملاء ۲- أَنْف	۲
۰/۵	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ مُتَرَادِفِينَ وَ مُتَضَادِّينَ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « صَحِكَ ، فَجَاءَ ، نَهَايَةً ، بَكَى ، غَالِيَةً ، بَغْتَةً » الف- فجاءَ = بغتَةً ب- صَحِكَ # بَكَى	۳
۰/۵	عَيِّنَ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى : (الف) حَرَب (ب) بومة	۴
۵	ترجم هذه الجمل : ۱- در امتداد لوله ها تابلو های هشداردهنده و ستون های مخابرات مانند ایستگاه های هشداروجود دارد . ۲- برخی از پرندگان می دانند چگونه گیاهان دارویی را برای پیشگیری از بیماری های گوناگون به کار ببرند . ۳- دانشمندان تلاش کردند راز آن پدیده را بشناسند پس گروهی را برای شناخت ماهی ها فرستادند . ۴- به بسیاری نمازشان و روزه شان ننگرید بلکه به راستگویی و امانتداری بنگرید . ۵- هرگاه انسان همپرد عمل او قطع می شود مگر سه عمل : صدقه جاری یا علمی که از آن سود برده شود یا فرزند شایسته ای که برای او دعا کند .	۵
۰/۵	اِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ : (الف) ۱ (ب) ۲	۶
۱/۵	كَمِّلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجُمَةِ : ۱- سخن مانند داروست <u>کمش</u> سود می رساند و بسیارش <u>کشنده</u> است . ۲- صدای <u>کولر</u> از یکی از <u>اطاق</u> ها <u>شنیده</u> شد .	۷
(ادامه سؤالات در صفحه ۲)		
۲	تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ وَالْمَصَادِرَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ : ۱- تصمیم گرفتم ۲- فرمان ندهید ۳- به من یاد داد ۴- گوش فرا می دادند ۵- همنشینی ۶- همزیستی خواهیم کرد ۷- نوشته شد ۸- شناخته می شوند	۸
۰/۵	عَيِّنْ نَوْعَ الْفِعْلِ وَادْكُرْ صَيَغَتَهُ : نوع فعل : ماضی صیغه : سوم شخص جمع یا جمع مذكر غایب	۹

٤	عَيْنَ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ : أَعْضَاءُ الأُسْرَةِ شَاهَدُوا حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً لِلدَّلَافِينِ - البَحْرِ وَ الأَسْمَاكُ نَعْمَةً عَظِيمَةً مِنَ اللَّهِ - أَغْلِقْ بَابَ الحَافِلَةِ - يَنْجَحِ الصَادِقُونَ أعضاء : مبتدا و مرفوع به ضمّه حركات : مفعول و منصوب به كسره الأسرة : مضافٌ إليه و مجرور به كسره جماعية : صفت و منصوبه به فتحه به تبعيت نعمة : خبر و مرفوع به ضمّه باب : نائب فاعل و مرفوع به ضمّه الله : مجرور به حرف جر به كسره الصادقون : فاعل و مرفوع به واو	١٠
٠/٥	كَمِّل الفراغَ بالعددِ المُنَاسِبِ : ١- التَّاسِع ٢- عَشْرُ	١١
٠/٥	كَمِّل الفراغَ بالحرفِ الجَرِّ المُنَاسِبِ : ١- إِلَى ٢- كَ	١٢
١	كَمِّل الفراغَ بالكلماتِ المناسبةِ : ١- اللبونة ٢- يَسْتَغْرِقُ ٣- السِّيَاحِيُّ ٤- جَوَّالٌ	١٣
١	عَيِّن الصَّحِيحَ وَ الخَطَّأَ : ١- المِشْمَشُ فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفِّفَةً وَ غيرَ مُجَفِّفَةٍ . (ص) ٢- الهَاتِفُ آلَةٌ لِنَقْلِ الحَرَارَةِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ . (غ) ٣- المِرَافِقُ العَامَّةُ هِيَ الأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ . (غ) ٤- سَمِعَ الإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلَفِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ (غ)	١٤
٠/٥	هُوَ مِنْ أَصْحَابِ رَسولِ اللَّهِ (ص)	١٥
١	أَكْتُبْ سَوَالاً وَ جَوَاباً مِنَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « عِنْدَكُمْ ، بَطَاقَتُنَا ، هَلْ ، الدَّخُولِ ، نَعَمْ ، بَطَاقَاتُ ، بَيِّنَا » سؤال : هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدَّخُولِ ؟ جواب : نَعَمْ بَطَاقَاتُنَا بَيِّنَا	١٦
٢٠	جمع « اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ جَهْدَ جَمِيعِنَا فِي سَبِيلِكَ »	